

یادداشت سردبیر

به خدا پناه می بریم؛ پاسخ این است که «شما را از خاک آفریدیم». در زمین به بندگان خدا متوسل می شوم؛ جواب می آید که «ز خاک آفریدت خداوند پاک». نفال از همشهری خود حافظ می جویم؛ می گوید «ای که از تربت ما می گذری همت خواه که زیارتگه رندان جهان خواهد بود. به کنکاش خود در میان انبوه شعر شاعران و گفتار بزرگان این مرز و بوم ادامه می دهم، همه از خاک و تربت پاک سخن آورده اند. می بینم که فرهنگ گهربار این سرزمین از هزاران سال پیش مبانی علمی و فنی زمانه را در قالب نظم گفته ها ریخته و خاک را به عنوان شاید مهمترین جزء آن، به صورت شعر قانونمند کرده و با زبان نغز آن را ستوده است. بی تردید، سروده های شاعران ما که زبانزد خاص و عام بوده نظامنامه ای برای رفتار و اخلاق نیک انسانهای آن دوره تلقی می شده است.

آنچه که گفته شد مقدمه ای برای بیان درد دلم بود. خوب بیاد دارم که در طول چند سال گذشته در گردهمائیها، همایشها، سیمینارها و حتی در نشستهای خصوصی با همکاران همیشه صبح از این به میان می آمد که چرا ما باید در جامعه حقا به، حق چرا، حق عبور و... و حتا حق نیا داشته باشیم لیکن حق خاک نداشته باشیم.

خاک دوستان گرامی آیا زمان آن نرسیده که بهره برداری از خاک کشورمان به شکلی قانون مند درآید. اخیراً مشاهده می شود که نشانه های امیدی در راه است. شاید به سبب تاکید و تکرار این موضوع است که همکاران ما و تعدادی از مسئولان و سیاستگزاران به این باور رسیده و گفتمان ایجاد قانون خاک را پذیرفته اند. موجب خوشحالی است که به هر روی تلاشها و پیگیریها کم کم دارد به بار می نشیند که گفته اند:

به راه بادیه رفتن به از نشستن باطل

که گر مراد نیابم بقدر وسع بکوشم

قرار است قانون خاک کشور نوشته شود که خبر مسرت بخشی است و من به سهم خود برای همکارانی که به این ندا لبیک گفته اند آرزوی موفقیت دارم.

یا حق